



سید یعقوب موسوی، دکتری
جامعه‌شناسی دانشیار گروه
علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا.
mousavi35@yahoo.com

محله نوین

الگوی جامعه‌شناسی شهری از توسعه محله‌ای



تصویر ۱

Pic 1

چکیده: به دنبال رشد وسیع فیزیکی شهرها و گسترده شدن دامنه مبادلات انسانی موضوع هویت‌یابی در محله‌های مسکونی و سازماندهی روابط ساکنین شهری با سکونتگاه‌های زیستی در شهر، واحد محله شهری به یکی از لوازم ضروری ساماندهی شهر تبدیل شده است. در دهه‌های اخیر محله، محیط اجتماعی و انسانی آن به ویژه در سطح روابط اجتماعی زمینه را برای برنامه‌ریزی بهتر بازسازی شهری فراهم کرده است. از لحاظ علمی و نظری موضوع محلات شهری به مسئله‌ای مهم در ادبیات شهری تحول یافته و توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. مفهوم اجتماع (Community) در این بررسی به واحد کوچک محل در یک شهر نیز اطلاق می‌شود. مفهوم اجتماع

تصویر ۱: توسعه شهر با ایجاد محله‌های نوین شهری در راستای اهداف طرح جامع توسعه شهری زوریخ. عکس: رسول رفعت، ۱۳۹۰.

Pic1. Urban development by creating new urban neighborhoods in the urban development master plan goals, Zurich. Photo by: Rasoul Rafat, 2011.



تصویر ۲

Pic 2

تصویر ۲: فضاهای جمعی محله، محل روپارویی رویدادهای اجتماعی. عکس: رسول رفعت، ۱۳۹۰.

Pic2. Communal spaces in the neighborhood; Place the face of social events. Photo by: Rasoul Rafat, 2011.

طی دهه ۶۰ تا مدت‌ها بر اساس مبانی مختلف از حوزه اطلاعات جامعه‌شناسی حذف شده بود. از این تاریخ به بعد این مفهوم تنها در رشته‌های مورد ارتباط با سیاست‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت. در چند دهه اخیر نوعی علاقه فزاینده به احیای مفهوم و واقعیت قابل تحقق اجتماع در بین محققان شهری به ظهور رسیده است. محله واحد اجتماعی درون شهر تعریف می‌شود که ساکنین آن ممکن است بر حسب خصوصیات ویژه جمعیتی گرد هم آمده باشند. موقعیت اقتصادی از قبیل نوع شغل، شرایط عمومی اجتماعی مانند سطح بر خورداری و رفاه اقتصادی و نیز تفاوت‌های فرهنگی و نژادی از جمله خصوصیات است که ممکن است محله‌نشینان را از یکدیگر متمایز کند. به علاوه افراد ساکن در یک محل به لحاظ فضای شهری و نوع تلقیاتی فرهنگی و شهروندی ممکن است در یک محیط مشترک زندگی و آرمان‌ها و ارزش‌های مشترکی را مورد هدف قرار دهند. محلات شهری، از لحاظ سازمان اجتماعی و نیز کارکرد و فعالیت ساکنین آنها از یکدیگر متمایزند. از جمله عوامل مؤثر در تغییر ساختار محلات شهری طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های کنترل شده شهرها در دوران جدید است که به گونه‌ای غیر مستقیم سازوکار طبیعی شبکه زندگی و فعالیت محله‌ای را دگرگون کرده است. دگرگونی فوق به دنبال خود تأثیرات فراوانی در شکل‌گیری ادراک، احساس و رفتار جدید در شهرنشینان همراه داشته است.

بر اساس فرایند توسعه برنامه‌ریزی شهری، ایجاد شهر بر طبق تنظیم جغرافیایی جدید و یا دخالت در تقسیم‌بندی فضایی منجر به تجدید ساختار کالبدی شهرهای مدرن در شکل نواحی منفصل و بی‌ارتباط شهری شده است، در صورتی که محله‌های سنتی محصول انتخاب طبیعی ساکنین و خانوارها و برخوردار از رشد طبیعی بوده است. به طور کلی، محله‌های شهری پدیده‌های بنیادی در نظام تنظیم شهری در گذشته و نیز در حال حاضر در بسیاری از کلان‌شهرهای جهان از جمله کشور ما تلقی می‌شوند. با مطالعه سیر پیدایش و توسعه محله‌های شهری می‌توان دریافت که محله‌گزینی در بسیاری از شهرهای بزرگ در سطح کشورهای جهان در ارتباط مستقیم با کارکردهای اقتصادی و اجتماعی موجود در این شهرها قرار دارد. این نوشتار ضمن نقد اجتماعی ساختار فضایی و اجتماعی شهرها در دوران جدید به دلایل و نیز چگونگی بسط و توسعه مفهومی و تحلیلی محله‌گرایی جدید می‌پردازد.

واژگان کلیدی: محله شهری، توسعه محله‌ای، توسعه شهری، برنامه‌ریزی محله‌ای، هویت محله‌ای.

هدایت و مدیریت شهرهای بزرگ بار دیگر توجه فزاینده‌ای به تجربه‌گرایی و محله‌گرایی مشاهده می‌شود. این موضوع از آن ناشی می‌شود که شناخت پدیده‌ها تنها در قالب سیستم جهانی قادر به ارائه یک تصویر درست از شرایط متغیر محلی نیست. جریان‌های پیشین در جامعه‌شناسی موجبات تغییر به منظور توجه بیشتر به امور محله‌ای و تجربی بوده‌اند. بدین طریق این موضوع ثابت می‌شود که توجه فوق‌العاده به مطالعه تجربی و شرایط محلی خود یک واکنش قابل پیش‌بینی در قبال تعمیم‌های نظری اقتصاد سیاسی در یک دوره کوتاه است. بنابراین اهمیت تاریخی جریان محله‌گرایی در کنار قبول تأثیرات جهانی حیات شهری برای توسعه دانش اجتماعی به خوبی معلوم می‌شود. به علاوه وضعیت کنونی نشان از یک تغییر از تئوری به سوی تجربه‌گرایی در درون جامعه‌شناسی است که در آن تکیه بر منابع محله‌ای می‌تواند تأمین‌کننده بخشی از سرمایه اجتماعی و فرهنگی مورد نیاز در مدیریت شهری باشد (Flanagan, 1993).

نقد توسعه اجتماعی شهری

شهرهای جدید علی‌رغم کیفیت‌خواست آشکار و بر در مورد عقلانی شدن زندگی شهری در قرن بیستم و با توجه به شرایط مادی که بیشتر مردم با آن دست به‌گریبان هستند به محیط‌های بیشتر پذیرنده تبدیل شدند. تعداد زیادی از دانشمندان و نظریه‌پردازان اجتماعی که حوادث و تحولات قرن بیستم را از نزدیک مشاهده کرده‌اند با نقد و طرح ایده‌های جدید مواد نظری لازم را برای شکل‌گیری محیط‌های شهری جدید فراهم کردند. بسیاری از آنها توانایی و هیبت خود را در برخورد با نماد زین فیزیکی شهرها از دست دادند. معهدا تأثیر اجتماعی شهر- همان‌گونه شاید که برای بسیاری دیگر وجود دارد- به عنوان یک مسئله در نزد آنان محفوظ باقی ماند (Ibid).

زیمل (۱۹۰۵) تحت عنوان کلان‌شهرها و زندگی ذهنی و در امریکا لوئیس ورت (۱۹۳۹) و مقاله او تحت عنوان شهرگرایی همچون روش زندگی دو نمونه برجسته در این زمینه هستند. اندیشه زیمل از آن جهت که او تمایز بین دو ویژگی عمده زندگی شهری را نمایان می‌کند دارای اهمیت بیشتری است. نخست انبوهی و محیط اجتماعی آشفته شهری سبب می‌شود که مردم در برخورد با یکدیگر تجدید نظر کرده و بسیاری از مسایل که در اطراف آنها می‌گذرد را مورد اغماض قرار دهند. او ضرورت افزایش توانایی کسانی را که در شهر زندگی می‌کنند به منظور افزایش تندرستی بیشتر مورد بحث قرار می‌دهد. دومین ویژگی تکامل دهنده محیط شهری کاهش انگیزه‌های انسانی در درخواست از سود و منفعت بوده است. از نقطه نظر زیمل زندگی شهری مجموعه‌ای از مبادلاتی است که در آن هر شخص ممکن است این سؤال را از خود بپرسد که چه چیزی نصیب او می‌شود. ارزش آن چقدر است؟ نتایج رنج و تعب عاطفی و تعامل غیر شخصی موجبات تنفر و محاسبه‌گری است که اینها خود در نهایت ویژگی‌های اجتماعی کلان‌شهرها هستند. به هر ترتیب مردم در کلان‌شهرها نمی‌توانند در قبال یکدیگر از یک احساس مسئولیت و مراقبت برخوردار باشند. ورت در ۱۹۳۹ دیدگاه‌های زیمل و همچنین آنها را که به «تونیس» و «دورکیم» و «ور» ارتباط داشته است را در یکدیگر ادغام کرد تا قادر به ارائه یک نظریه کامل در زمینه زندگی شهری باشد. مقاله بیشتر انتقادی او درباره اثرات به هم پیوسته جامعه‌شناختی اندازه، تراکم و عدم تجانس جمعیت شهری یک تلاش برجسته در جهت شناخت نتایج فزاینده محیط شهری تلقی می‌شود. معلم ورت، رابرت پارک (۱۹۲۹-۱۹۱۵) اکولوژی فضای شهری را به عنوان موزائیک دنیاهای اخلاقی و اجتماعی انزوا گزیده‌ای را که هر یک مشخصات ویژه خود را دارند به شرح می‌کشد. اصل عدم تجانس مبتنی بر این واقعیت است که شهرها تنوع گسترده از ویژگی‌های طبقاتی و فرهنگی را با خود همراه دارند. به علاوه شهرها تفاوت‌های اجتماعی را که محصول افزایش مشاغل تخصصی است بیشتر می‌کنند. جمعیتی که در شهرها ساکنند به سختی می‌توانند همدیگر را بشناسند. آنها بیشتر در شرایطی قرار می‌گیرند که به آنها اجازه می‌دهد که با یکدیگر در سطح ابزاری و مصنوعی باقی بمانند.

محله‌گرایی نوین

محله‌گرایی به دنبال نقد و طرح معضلات توسعه شهری جدید در سال‌های اخیر اهمیت نظری و کاربردی یافته است. توسعه محله‌ای به عنوان توسعه چشم‌انداز پایدار شهری بنیاد بسیاری از سیاست‌ها و روش‌های شهری در جهان قرار گرفته است. برای درک بهتر توسعه محله‌ای به عنوان شالوده واقعی توسعه شهری در دوران کنونی لازم است به آن دسته از نظریات جامعه‌شناسی رجوع کرد که تلاش دارند با ادغام دیدگاه‌های کلان و خرد بستر لازم را جهت دستیابی به شیوه‌های علمی و عملی مؤثر فراهم کنند. «فلانگان» جامعه‌شناس شهری معاصر بر این نظر است که "توجه به شهر در ارتباط با یک حرکت فلسفی است که در ورای محدودیت‌های دانش اجتماعی بوده و سوالاتی را مطرح می‌سازد که خود با بسیاری



مقدمه

برای چهار دهه نخستین قرن گذشته جریان‌های گوناگون نظری در تفکر اجتماعی شهر گسترش داشته است، که در تمام آنها موضوع از خودبیگانگی انسان در شهر در مفهوم بنیادی آن محل بحث و گفتگو بوده است. مسئله فوق در مقاله مشهور ورت (۱۹۳۹) تحت عنوان شهرگرایی به عنوان شیوه زندگی در حد بسیار گسترده مطرح بوده است. دهه‌های بعدی شاهد انتشار بسیاری از مونوگرافی‌هایی (تحقیقات موردی) است که بین کارهای وایت (۱۹۴۳)- تحت عنوان جامعه سرکوپه‌ای- و انتشارات مجدد آثار گنز (۱۹۶۲) تحت عنوان شهر روستاها (Villages Urban) در جریان بوده است. این مونوگرافی‌ها شواهدی را نشان می‌دادند که در آنها اثبات می‌شد مردمی که در شهرها زندگی می‌کردند احساس عمیق از اجتماع خود و مشارکت اجتماعی در محیط زندگی با خویش داشته‌اند. تلاش‌ها بر اساس شناخت زندگی شهری در قالب انتزاعی و شناخت نوع آرمانی آن از طریق این موارد توجه فوق‌العاده‌ای را برای انجام اقدامات به منظور به مدل در آوردن زندگی شهری فعالیت‌های تجربی و محلی را توسعه بخشید.

نیروی محرک در ایجاد شرایط توسعه محلات و نقطه آغاز برای درک و تحلیل آنچه در این مناطق در حال تحقق بوده است عبارت بود از نفوذ سیستم سرمایه‌داری جهانی و رشد عقلانیت سرمایه‌داری به سمت بازار تجارت جهانی. امروزه برای برنامه‌ریزی در جهت

از قضایای تئوری‌های جامعه‌شناسی ارتباط دارد. تأکید فزاینده بروی دیدگاه تجربه‌گرایی و محله‌گرایی واکنشی است در برابر آنچه که در مجموع به عنوان نظریه‌های جبرگرایی تفسیر می‌شوند. موضوع اصلی در این گونه از نظریه‌ها نفوذ ساخت اجتماعی بروی افراد و محدود کردن حق انتخاب آنان است. با توجه به نیروهای سیاسی و اقتصادی در سطح جهانی و ناتوانی ما در پاسخ دادن به این پرسش که چرا یک اجتماع موفق به تغییر و تحرک و دیگری را کند و متوقف و یا هر کدام در مسیر متفاوت توسعه می‌یابند در حالی که همه آنها به‌طور کلی به اقتصاد و سیستم جهانی مرتبطند. تفسیر ساختاری عاجز از کارایی در سطح محلی است. این موضوع مسلم است که متغیرهای محلی در برخی موارد می‌توانند اثرات شرایط جهانی را کنترل کرده و دامنه نفوذ آنها را به حداقل برسانند و به علاوه ما باید در کنار ملاحظاتی مربوط به این موضوع که دامنه انتخاب و تصمیم‌نخبگان محلی و شهروندان متوسط تفاوت دارد واقف باشیم" (Flanagan, 1993: 9).

اگرچه جامعه‌شناسی شهری ویژگی خاص خود را محفوظ نگه می‌دارد، لیکن تقسیمات مختلف تخصص‌های کوچک در داخل آن نشانگر تمایل به تجربه‌گرایی و روش محله‌گرایی است. این حرکت یک نوع ناکامی در جبرگرایی نیرومند تئوری رسمی (اقتصاد سیاسی) علوم شهری است. به گونه‌ای عمومی و در قالب فلسفه پسامدرن، گرایش به محله‌گرایی، فرار از مدل‌های سخت و رسمی در تفسیر از دانش هنر و خدمات بشری را بیان می‌کند. عمده‌ترین تنش در جامعه‌شناسی شهری امروز میان بنیادهای نظری ساختارگرایان

توسعه محله‌ای به عنوان یکی از اندام‌های سیستم شهر، بنیاد بسیاری از سیاست‌ها و روش‌های شهری در توسعه چشم‌انداز پایدار شهری جهان قرار گرفته است. موضوع توسعه از نوع اجتماعی و یا محله‌ای ضرورت‌های مختلفی را در کشور ما و در سطح کلان شهرهای آن مد نظر دارد. توسعه اجتماعی محلات با تکیه بر افزایش کیفیت و ایجاد بستری برای شکل‌گیری فضاهای جمعی جهت ثبت خاطر، امری حیاتی در توسعه پایدار شهری است.

جهانی و بنیادهای تحقیق آرمان‌گرایان محلی قرار دارد. این وضعیت باعث تغییر موقعیت مباحث و یا در بردارنده مسایلی می‌شود که در بین فرهنگ‌گرایان، ساختارگرایان و یا بین محیط‌شناسان و اقتصاددانان سیاسی در جریان است (Ibid).

ادراک شهر با محله‌های نوین

محله‌های شهری اساس توسعه روابط اجتماعی و بنیاد سازمان‌دهی نظام شهری تلقی می‌شوند. به عبارت دیگر در شهرهای بزرگ امروز جهان رها شدن افراد در مقیاس بزرگ جغرافیایی به عنوان شهر مشکلات فراوانی را با خود همراه داشته است. انبوهی کالا و خدمات و نیز فوق‌العاده بودن سطح مناسبات اجتماعی موجب آن شده است که موضوع نظام‌یابی رفتار و انتخاب افراد ساکن در شهر با دشواری روبه‌رو شود. مقوله مهم در بحث و بررسی از توسعه پایداری شهری عبارت است از بازیابی آن دسته از متغیرها و عواملی که شرایط توسعه جامع را فراهم می‌کنند. از آنجا که توسعه شهری مفهومی کش‌دار و انتزاعی است اعمال شاخص‌های تعیین شده برای آن در میان برنامه‌ریزان شهری از درک و تعریف واحدی برخوردار نیست. آنچه که مورد اتفاق همه سیاست‌گذاران و مدیران شهری است اعمال دیدگاه‌ها و روش‌هایی است که بتواند رشد کیفی و کمی شهر را تدارک و در کنار زیباسازی فضایی و کالبدی، امنیت و رفاه عمومی را نیز تأمین کند. از این نظر محله‌گرایی به دور از احیای کارکردهای سنتی آن عبارت از پرداخت به سازوکارهای نوین شهری به منظور سامان‌دهی فیزیکی و اجتماعی نیازها، امکانات و در مجموع زندگی شهروندان است. "گافمن بر این نظر است که افراد در بستر اجتماعی دائماً با یکدیگر ارتباط دارند و این ارتباط اگرچه عمده از طریق بیان شفاهی است ولی علاوه بر آن از طریق بیان غیر شفاهی، شیوه‌های پوششی، سبک خانه‌ها و کالاهایی است که در پیرامون آن قرار دارد. هم‌زمان با آن، افراد سعی می‌کنند تأثیرات نمایشی از خود به دیگران نشان دهند. در ضمن هریک از مردم دائماً در جستجوی یافتن اطلاعاتی درباره کسانی هستند که با آنان ارتباط دارند، اطلاعاتی درباره اشخاص دیگر، تصویری که آنان از خود ترسیم می‌کنند و به‌طور کلی نگرش‌های آنان" (دیکنز، ۱۳۷۷: ۱۷). توجه به موارد متعدد و کشف رابط‌هایی که ساختار

تجربه مشترک زندگی افراد را در نواحی محدود داخل شهر تعیین می‌کنند، عناصر پایدار در شکل‌دهی به پویایی فرهنگی و اجتماعی افراد تلقی می‌شوند. از این نظر جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و نیز روانشناسی شهری با استخدام روش‌ها و اصول پردازش مواد و اطلاعات، برنامه‌ریزان را در سازمان‌دهی نظام روابط اجتماعی ساکنین شهری یاری می‌کند (تصویر ۱). ماهیت و شکل فضا و مکان خود از موضوعات مهم در شناخت از محله است. در پی طرح اهمیت نقش فضا در مطالعات شهری، ساختارگرایان به ویژه کسانی که متأثر از دیدگاه گیدنز (جامعه‌شناس معاصر انگلیسی) بوده‌اند متوجه توانایی بالقوه این مفهوم در ارایه شناخت کامل از بازسازی اقتصادی و ترکیب اجتماعی شدند. به ویژه گیدنز بر این موضوع تأکید داشته است که "روند ساختاربنندی در چارچوب فضا-مکان شناخته می‌شود. از نظر او به‌ویژه مکان‌ها به مسئله استفاده از فضا به منظور تمهید جایگاه اجتماعی برای تعامل باز می‌گردد. در نهایت شناخت جایگاه تعامل در تعیین زمینه اجتماعی آن بسیار اساسی است" (Giddense, 1984: 118). به‌طور اساسی محله به محدوده‌ای اطلاق می‌شود که در آن فضا به عنوان بخشی از تعامل بین انسان و ساختارها تعبیر می‌شود. محله از نظر زمینه اجتماعی، جایگاه مناسبی برای به‌وجود آمدن شکل سازمان‌های اجتماعی و نیز جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی امور شهری است. محله به عنوان ابزار اساسی برای درک روابط بین مردم، اجتماع و طبیعت تلقی می‌شود. به‌عبارت دیگر محله در مفهوم زمانی و مکانی مهم‌ترین عنصر ساختی در زندگی روزانه مردم است (مدنی‌پور، ۱۳۷۹). طبق نظر «کوک» ویژگی‌های محیطی در سطح محله‌ها نقش اساسی را در سازمان‌دهی رفتار مردم و نیز سازمان‌های اجتماعی دارد. کوک، محله را فضایی می‌داند که "بخش مهمی از کار و مصرف شهروندان در آن وجود دارد" (Cook, 1980). محله بنیاد مهمی برای شناخت وسیع افراد و تجهیز اجتماعی افراد برای فعال کردن، توسعه و یا دفاع از آن دسته از حقوقی است که نه در حوزه سیاسی بلکه بیشتر از نوع ماده و انرژی در حوزه فرهنگ، اقتصاد و زندگی اجتماعی هستند.

واحد محله شهری

«مفورد» بر این عقیده بود که هیچ کوشش اساسی برای تعریف نظام محله انجام نگرفته است. تأکید بر شهر در مجموع پیوسته به عنوان واحد مستقل بوده است. او بر این نظر است که: "نخستین تلاش‌های نوین برای شناخت محله‌های شهری در دو جهت تداوم داشته است؛ در بعد علمی از کارهای «هورتن کولی» سرچشمه گرفته است. کولی، موضوع محله را تحت عنوان سازمان اجتماعی و روند اجتماعی شدن و اجتماع چهره به چهره بر اساس بنیاد خانواده مورد بررسی قرار داده است" (Memford, 1954). جهت دیگر عبارت بود از "هویت محله به عنوان واحد نظام‌یافته مهم در زندگی شهری که در بردارنده دو بخش اساسی در ارتباط با حرکت و یگانگی اجتماعی است. نتایج اساسی «سوستر» در بررسی‌های تجربی از محله شهری عبارت است از واحدهایی که از لحاظ ترکیب جمعیتی خاص و منحصر به فرد و از نظر فضایی نیز دارای امتداد محدود است" (Mousavi, 1998). جانستون جغرافی‌دان آمریکایی محله‌های شهری را طبق مقیاس جغرافیایی، جمعیت، سازمان اجتماعی، شبکه ارتباطی و کارکرد آنها مورد بررسی قرار داده است. به نظر او تفکیک فضایی ممکن است بر اساس رشد خودرو شهرها و به ویژه افزایش مقیاس جمعیتی و فضایی صورت گیرد (جانسون، ۱۹۷۹). در چنین تحولی تقسیم شهر به محله‌های مختلف ممکن است به تبع اسکان طبیعی و تدریجی ساکنین و گزینش مکانی بر حسب نوع علاقه و انگیزه ساکنین باشد. در شرایط دیگر معمولاً انتخاب مکانی با هدایت و نظارت برنامه‌ریزان شهری و دستگاه‌های مدیریت شهری است. در این صورت تشکیل محله‌های شهری بر اساس ارزش زمین، منابع طبیعی، نوع خدمات شهری و یا شرایط ارتباطی است. «بار» و «بانجی» معتقدند که "محله‌های شهری هم در تجربه و هم در نظریه به گونه‌ای عمیق مورد بهره‌برداری قرار گرفته و به موضوعی کلیدی در تحقیقات شهری تبدیل شده‌اند" (Mousavi, 1998).

با توجه به ارتباط متقابل میان انسان و مکان، زندگی در محله و تأثیرات محیطی آن بر سازمان رفتار و گرایش افراد یکی از مسایل اساسی در دانش جغرافیا و جامعه‌شناسی شهری است. تجربه طولانی زندگی در محله و نقش‌پذیری انواع مختلف کنش و واکنش‌های محیطی در ذهن و روان افراد و استفاده از آنها در تمام دوران زندگی واقعیتی است که از نظر مردم‌شناسی شهری نیز پنهان نمانده است. گفته می‌شود توجه به رشد گسترده شهرها و تغییر در کیفیت زندگی شهری، پیدایش تمایزات عمیق شهری و فزونی اشکال مختلف از روابط اجتماعی از جمله ویژگی‌های مهم مکان‌های شهری معاصر تلقی می‌شود. به نظر هیلی "ویژگی‌های محله‌ای به موضوع مهم بسیاری از جریان‌های شهری تبدیل شده است. اینکه چگونه مردم زمینه‌های زندگی اجتماعی خود را تجربه می‌کنند و یا واقعیت‌های

تضاد با جریان‌های کنونی آغاز شده و میل به ایجاد اجتماعی شهروندان شدیداً احساس می‌شود. پیشنهاد کاستلز ایجاد شوراهای شهر و مراکز فراغت خارج از منزل است که توسط خود شهروندان به خصوص جوانان سازماندهی شوند و این شوراها توسط شهروندان در امور محلی تصمیم‌گیری کنند تا حضور اجتماعی مردم در محیط شهری بیشتر شود به طوری که فضاهای مرده شهری دوباره زنده شود" (Castells, 1977: 235-257).

کاستلز بر این عقیده است که در سطح فرهنگی جوامع محلی باید هویت خود را حفظ کنند. این کار باید با تأکید بر ریشه‌های تاریخی، بدون توجه به وابستگی اقتصاد و کارکردی که به جریان‌ها دارند، انجام شود. مشخص کردن مکان، حفظ نمادها، بیان خاطرات جمعی در ضمن کنش‌های متقابل، می‌تواند باعث حفظ معنی مکان بشود. اما برای جلوگیری از تأکید بیش از حد بر هویت محلی باید با هویت‌های محلی دیگر نیز ارتباط برقرار شود و با فرهنگ‌های دیگر نیز رابطه با معنی وجود داشته باشد. همین‌طور هویت‌های فرهنگی در کنار سیاست‌ها و اعمال اقتصادی و سیاسی در نظر گرفته شود. «تونیس» استدلال می‌کند که «اشکال ضروری جامعه راه خود را به سوی انواع جدیدی از گروه‌های صمیمی و نزدیک ادامه خواهد داد. از نظر او اتحادیه‌های بازرگانی نمونه‌ای از تلاش‌ها برای جایگزین کردن روابط «گماین شافت»^۱ بود که این اتحادیه‌ها برای دور جدید سرمایه‌داری صنعتی مناسب داشتند» (دیکنز، ۱۳۷۷: ۵۰). از نظر زیمل «فرد یا گروه کوچک به خودی خود کانون تحلیل را تشکیل می‌داد. نظرات دیگر که بسیار شباهت به نظر فروید دارد، چنین بحث می‌کنند که فردگرایی و تفاوت‌های گروهی کمتر تحت تأثیر فرایندهای کلان و بیشتر تحت تأثیر خود افراد و گروه‌های کوچک است که تلاش می‌کنند هویت‌های شخصی خود را به اثبات رسانند» (همان).

بررسی مفهوم اجتماع شهری

موضوع اجتماع شهری یا به عبارت دیگر محله شهری انگاره تحلیلی و عملیاتی جدیدی از نوع مطالعات شهری است که در آن به وجوه متشابه محتوایی و کارکردی این مفهوم توجه می‌شود. بسیاری بر این نظرند که مفهوم اجتماع، کاربردهای مختلفی دارد (دیکنز، ۱۳۷۷ و Blockland, 2003). گذشته از پارامترهای نقدی ادبی نمایش‌هایی که رسانه تصویری از محله ارائه می‌دهند نوعی بیان آرمانی و تخیلی از گذشته است. محله‌های توسعه نیافته شباهت زیادی با روستا دارند. روستایی که در آن پیوند، همبستگی و هماهنگی وجود دارد. تأکید نویسندگان بر جنبه اجتماعی محله و پیوندهایی با ویژگی خاص در این نوع از مکان به ظهور می‌رسد ما را به سوی دریافت این مفهوم راهنما می‌گردد که بتوانیم به نوعی شناخت از قرابت مفهومی، تاریخی، جامعه‌شناختی و در نهایت کارکردی بین محله (Neighborhood) و اجتماع از نوع شهری (Urban Community) نایل شویم. در ادبیات جامعه‌شناسی اصطلاح اجتماع دارای کاربردهای فراوانی بوده است. توجه جامعه‌شناسان کلاسیک به تمایز اجتماع و جامعه از لحاظ بعد جمعیت و درجه ارتباط و پیوستگی از همه بیشتر شناخته شده است. پس از چند دهه حاشیه‌گرینی، اصطلاح فوق در ادبیات اجتماعی طی دهه اخیر تلاش برای بازتولید نظری و مفهومی این اصطلاح و استفاده از آن در شناخت واحدهای اجتماعی مورد توجه نویسندگان شهری قرار گرفته است. اصطلاح اجتماع از نوع شهری عبارت است از تحلیل شهر در قالب واحدهای فضایی و اجتماعی که تمام خصوصیات محله را همراه با تأثیرپذیری‌های آن با خود همراه دارند (موسوی، ۱۳۸۷).

شاید بتوان گفت علی‌رغم مقاومت‌های فراوان در عرصه نوآوری‌های شهری، طراحی و سازماندهی محله‌های شهری بر اساس الگوی توسعه از نوع اجتماعی یعنی خرد و یا در مقیاس تعریف می‌شود. از نظر «مکنزی» محله واحد نزدیک فیزیکی و محل ارتباط اجتماعی است (Blummer, 1984: 1). اجتماعات از تعاریف و توصیفات فوق این معنی حاصل می‌شود اصطلاح اجتماع نوع شهری هم از کوچک آن، امروزه به ابزار مهم در توسعه شهری تحول یافته است. توجه رو به افزون در کاربرد مفهوم فوق چارچوب سنتی توسعه شهری در مقیاس جامعه‌ای (Society) و کلان (Macro) را مورد سؤال قرار داده است. از جمله نتایج عینی گرایش فوق، توجه به حوزه تغییر فرهنگ اسکان شهری بر اساس پذیرش زندگی در واحدهای کوچک‌تر محلی در شهر است. نگرش فوق ساکنین را برای انتخاب واحدهای اسکان محلی مورد ترغیب و انگیزه قرار می‌دهد. تغییر در الگوی توزیع خدمات، امکانات و فعالیت‌ها در کلان‌شهرها به سود گسترش واحدهای محله‌ای پیوند میان ساکنین و مکان‌های زندگی اجتماعی آنها را توسعه می‌بخشد.

محله در ادبیات جدید شهری ایران

آنچه در لغت‌نامه دهخدا آمده است محله به قسمتی از یک شهر یا روستا گفته می‌شود

موجود در منطقه و محل زندگی آنان خود نیاز به مطالعه و بررسی بیشتر دارد. نتایج حاصل از مطالعات فوق می‌تواند چشم‌انداز مفیدی از احساس و درک مردم در قبال آنچه که در محل زندگی آنان روی می‌دهد، فراهم کند" (Healy, 1997).

گفته می‌شود هر محله بخشی از یک شهر، یا شهرستان و روستا است که ویژگی فیزیکی، نمادی، اجتماعی و شبکه‌ای خاص خود را داراست. تحولات دهه‌های اخیر در بعد ارتباطی، اجتماعی و اقتصادی موجبات در هم آمیختن مرزهای فضایی و اجتماعی محله‌ها شده است. علی‌رغم واقعیت فوق شواهد متعددی وجود دارد که مبین شناخت و تمایز هویت‌های محله‌ای در نواحی کلان‌شهرها و یا شهرهای متوسط و کوچک است. «بلاکلند» در بررسی خود از به هم پیوستگی مستحکم شهری در قالب فضایی محله‌ای، ضمن تأکید بر آنچه که «کاستلز» در فعالیت‌های پژوهشی عمیق خود بدان پرداخته است و یا اهمیت پاره‌ای از مکاتب شهری در توصیف کارکردهای محله‌های شهری می‌نویسد: «کاستلز معتقد است برخی بر این نظرند که اجتماع (Community) نتیجه محله شهری است که خود حاصل فرایندی از محله‌آفرینی است. به علاوه او شبکه را تعیین‌کننده هویت مکانی در سطح محله می‌داند. همچنین دیدگاه مکتب شیکاگو در مطالعات شهری با استفاده از نظریه محیط‌شناسی اجتماعی تلاش داشته است تا الگوی شهرنشینی را مورد توضیح قرار دهد. از جمله اینکه ساکنین شهری در یک رقابت درونی تلاش می‌کنند تا خود را با محیط محله‌ای انطباق دهند. ساکنین شهری در یک موقعیت اقتصادی و اجتماعی و پاره‌ای از ابعاد فضایی تلاش دارند تا با یکدیگر کنار بیایند. شهر، زمینه را برای محله به عنوان یک واحد فضایی فراهم می‌کند" (Blockland, 2003:20)؛ (تصویر ۲).

توسعه اجتماعی محله‌ای

پس از تجربه طولانی از گسترش شهرها بر اساس مدل تمرکز و تراکم انسان، کالا و خدمات توجه به موضوع احیای الگوهای پایدار از روابط اجتماعی در شهر به موضوعی مهم در بررسی‌های شهری تبدیل می‌شود. به نظر می‌رسد این موضوع فراخوانی است از نتایج تلخی که زیمل، تونیس (جامعه‌شناسان شهری قرن نوزدهم در آلمان) و برخی از پیروان مکتب شیکاگو (در آمریکا) در تحلیل از روند فروپاشی نظام روابط اجتماعی سنتی بدان می‌رسند. توسعه اجتماعی از نوع محله‌ای (Community Development) عبارت است از توجه به توسعه شهری از دریچه پرداخت به حفظ و تعمیق روابط صمیمی و پایدار میان افراد. در واقع از جمله نتایج رشد کمی شهرها بیگانگی افراد از یکدیگر و افزایش حس رقابت و عدم اعتماد میان آنان بوده و هست. گویا شهرها به مکان‌های جدید شکل‌گیری انواع تنازعات آشکار و پنهان اقتصادی و اجتماعی تحول یافته و ساکنین آن همراه با توسعه در دستیابی به منابع و ثروت اجتماعی ناچار به پرداخت بخشی از استعدادهای اخلاقی و انسانی خود هستند. مشاهده رشد و گسترش انواع جرایم و ناهنجاری‌های اجتماعی و تعمیم انواع کج‌روی‌های رفتاری به‌ویژه در نزد جوانان موضوع سازمان‌دهی روابط اجتماعی در شهر و احیای آن دسته از اشکال سازنده و مفید الگو و ارزش‌های زندگی جمعی را مورد توجه برنامه‌ریزان قرار داده است. در این فرایند مسئله چگونگی کنش متقابل مردم با یکدیگر و چگونگی بروز احساسات غریزی عمیق و نیز تأثیر قابل ملاحظه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد که بر روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارد. گیدنز به‌ویژه برای اینکه چگونگی رابطه کنش‌های انسانی را با ساختارهای اجتماعی بیان کند تلاش می‌کند مفهوم «مکان محلی» (Locale) را وارد مفهوم‌سازی‌های نوین جامعه‌شناختی خود کند. "شروع حرکت وی چیزی است که دوگانگی ساختار نامیده می‌شود. یعنی این فکر که ساختارهای اجتماعی هم واسطه و هم نتیجه کردار و اعمال انسانی است. عامل انسانی در این ساختار معجونی فرهنگی نیست که صرفاً حاوی شیوه تولید باشد. بلکه انسان‌ها محیط اجتماعی و فضایی خود را درک می‌کنند و فعالانه آن را برای ایجاد زندگی خویش و نیز نظام‌های اجتماعی که خود جزیی از آن هستند مورد استفاده قرار می‌دهند" (دیکنز، ۱۳۷۷: ۱).

بازسازی اجتماعی در شهر بر اساس مدل توسعه محله‌ای در چند دهه اخیر در برخی از کشورهای جهان در قالب طراحی شهری مورد توجه قرار گرفت. "در فرانسه در دهه ۷۰ نیاز شدید به ساختمان‌های انبوه، مسئله بازسازی مناسب‌تر، رعایت جنبه‌های هنری، معماری، اجتماعی و غیره زمینه‌ساز طرح محله سازی شد. فعالیت‌های جدید نوآوری معماری در این دوره بر محور «سکونت و حیات اجتماعی» بود، لذا سیاست جدید مبتنی بر «توسعه اجتماعی محله‌ها» توسط کمیسیون دابدوت در سال ۱۹۸۲ طراحی و بکار گرفته شد (ربانی، ۱۳۸۱: ۱۵۵). به همین دلیل نظریه‌پردازان شهری سعی کردند تا ابعاد مختلف محله در ساختار کنونی کلان‌شهرها را مورد کنکاش قرار دهند. کاستلز (جامعه‌شناس معاصر فرانسوی) بر این نظر است که فضای شهری باید احیا شود. یعنی فضاهای آزاد به وجود آید که ارتباط رویاروی مردم را افزایش دهد. او معتقد است "حرکت‌های مردم در

هم بسته فراهم شود. از جمله مفاهیمی که در سال‌های اخیر در ادبیات شهری از سوی محققان و برنامه‌ریزان شهری مورد استفاده گسترده قرار گرفته، موضوع و مفهوم توسعه محله‌ای و یا توسعه اجتماعی از نوع محله‌ای در کلان‌شهر است. بازگشت به مفهوم فوق در پهنه‌ای است به سمت مقابله با خطرات موجود و احتمالی آبی گسترش بی‌حد و مرز اجتماعی کلان‌شهرها در آینده ■

فهرست منابع

- برک‌پور، ناصر. (۱۳۸۵). *مبانی نظری و رویکرد سیاسی در برنامه‌ریزی و مدیریت محله‌ای*، همایش توسعه محله‌ای چشم‌انداز توسعه پایدار شهر تهران، معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- تولایی، نوین. (۱۳۷۲). *فضای شهری و روابط فرهنگی اجتماعی: بررسی عام تجربیات جهانی*، رساله کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، استاد راهنما: دکتر محمود توسلی. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا.
- شکوهی، حسین. (۱۳۶۵). *جغرافیای اجتماعی شهرها «اکولوژی اجتماعی شهر»*. تبریز: جهاد دانشگاهی تبریز.
- دیکنز، پیتر. (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی شهری: جامعه، اجتماع محلی و طبیعت انسانی*. ترجمه: دکتر حسین بهروان. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ربانی، رسول. (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی شهری*. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- مدنی‌پور، علی. (۱۳۷۹). *طراحی فضای شهری*، ترجمه: فرهاد مرتضایی. تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- موسوی، سید یعقوب. (زمستان ۱۳۸۷). بازسازی محله‌های شهری در چارچوب برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی محله‌ای. *مجله مطالعات اجتماعی*، ۲ (۲): ۹۹-۱۲۳.

پی‌نوشت

۱. مفهوم گماین شافت توسط جامعه‌شناس آلمانی «تونیس» مطرح شده است. روابط گماین شافت با پیوندهای نزدیک عاطفی، صمیمانه و حس متقابل مشخص می‌شود. بهترین نمونه روابط گماین شافت را می‌توان در میان اعضای یک خانواده یافت که معمولاً روابط صمیمانه داشته و در کنش‌های متقابل با یکدیگر به همکاری می‌پردازند.

تصویر ۳: بازارچه محله در شهرهای سنتی ایران؛ فعالیت‌های جمعی و برخوردی اجتماعی. عکس: رسول رفعت، ۱۳۸۹.

Pic 3: Neighborhood bazaar in traditional cities of Iran; Collective activities and Social encounters. Photo by: Rasoul Rafat, 2010.



که نام، محدوده و مشخصات خود را داشته باشد. شکل‌گیری محله‌ها در ایران و یا آنچه که در زبان انگلیسی (Quarter)، در زبان فرانسوی (Quartier) و در زبان آلمانی (Viertel) خوانده می‌شود و در برخی کشورها با عنوان واحدهای همسایگی (Neighborhood Units) شناخته می‌شود، علل گوناگون دارد. در ایران این عرصه‌ها با توجه به تفاوت‌های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی از همدیگر مجزا شده و شهرها آرام آرام شاهد شکل‌گیری محله‌هایی با مظاهر کالبدی متفاوت، بافت فرهنگی و اجتماعی متفاوت و با نام‌های مختلف بوده‌اند.

بررسی و مطالعه عوامل اثرگذار در شکل‌گیری محله‌های شهری (ملاک‌ها و معیارهای تعیین محدوده محله‌ها) از این حیث دارای اهمیت است که آنچه باعث شکل‌گیری، قوام و یکپارچگی و انسجام محله‌ها می‌شده، وجود نوعی همبستگی و اتحاد (هرچند غیر رسمی) در میان افراد محله بوده است که این اتحاد و همبستگی نقش مهمی در حمایت هم‌محله‌ای‌ها از همدیگر، تعاون و همکاری و مشارکت بین آنها در امور محله داشته است. برخلاف روزگاران پیشین، آنچه امروزه در محله‌های شهری شاهدیم نوعی واگرایی و احساس بیگانگی افراد محله نسبت به همدیگر است. به نظر برخی از محققان شهری سهم مهمی از سطح شهرها را ساختمان‌ها و محله‌های مسکونی می‌پوشاند؛ از این رو کیفیت آنها تأثیر مهمی در سیما و منظر عمومی شهر دارد. در واقع در نگاه اول هر شهر را از ویژگی‌های محله‌های مسکونی آن می‌توان شناخت. روند توسعه‌های موجود در شهرها را می‌توان در محله‌های مسکونی آن شناخت. روند توسعه‌های موجود در شهرهای ما، به ویژه شهرهای بزرگ نشان می‌دهد که مناطق مسکونی به دلیل توسعه نابسامان و مغشوش، در معرض از دست دادن شخصیت و هویت دیرینه خود قرار گرفته‌اند (برک‌پور، ۱۳۸۵)؛ (تصویر ۳).

در سده اخیر با تغییر ساختار سنتی اداره شهر و مدیریت نیمه متمرکز بر آن، به تدریج نقش مردم در اداره محله‌ها (و در نتیجه شهر) کم‌رنگ شده است و تصمیمات مدیریت شهری برای اداره شهر بدون توجه به نقش مردم و در نظر گرفتن نقش محله‌ها در ساختار شهر اتخاذ می‌شوند. با آغاز تشکیل بلدیة برای شهر تهران تا دهه گذشته، سیاستمداران با انتخاب شهردار و تحت تکفل گرفتن شهرداری‌ها تأثیر عمده‌ای را بر مدیریت شهر گذاشتند و عمل اداره شهرها تابعی از وضعیت سیاسی کشور و موازنه نیروهای سیاسی بود. اما از حدود یک دهه پیش، با اجرای اصل شوراهای (که در قانون اساسی جمهوری اسلامی پیش‌بینی شده بود)، مردم نقش مهم‌تری در تصمیم‌گیری برای شهر بر عهده گرفته و از طریق نمایندگان منتخب خود، بر اداره شهر نظارت می‌کنند. پس از تشکیل شوراهای پاسخگو شدن هرچه بیشتر مدیریت شهری به شهروندان، به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر مدیریت شهری نیز تلاش کرده است تا اهمیت بیشتری برای واحدهای تقسیمات ذاتی شهر (محله‌ها) قایل شده و نقش آنها را در اداره هرچه بهتر شهر در نظر بگیرد. این روند در صورت تداوم و اجرای صحیح می‌تواند علاوه بر مدیریت بهینه منابع انسانی، با جذب مشارکت‌های شهروندان، تا حد زیادی در ایجاد جامعه شهری با کارکرد بهتر باری رساند. مدیریت محله‌ای رویکردی است در راستای ارتقای خدمات محله‌ای و درگیر کردن اجتماع محله‌ای در نوسازی. مدیریت محله‌ای، اجتماع محله‌ای و تأمین‌کننده‌های خدمات را در سطح محله در کنار یکدیگر جمع می‌کند تا از این طریق بتواند با تأثیرگذاری بر جریان‌های اصلی تأمین خدمات محله بر مسایل غلبه کند. مدیریت محله‌ای به عنوان مثال در راستای کمک به محلات مهاجر و ارتقای وضعیت محله با بهبود بخشیدن به خدمات محلی شکل گرفت. مدل مدیریت محله‌ای پنج اصل اساسی دارد:

۱. وجود فردی با مسئولیت تام در سطح محله.
۲. مشارکت و رهبری اجتماع.
۳. وجود ابزارهای محقق شدن آن.
۴. وجود یک ره یافت سیستماتیک برنامه‌ریزی شده برای حل مسایل محله.
۵. وجود مکانیزم موثر آرایه خدمات.

نتیجه‌گیری

در چند دهه اخیر کارشناسان و برنامه‌ریزان شهری، موضوع واحدهای شهری از نوع اجتماعی و نه جامعه‌ای (یعنی کلان) را در قالب طرح‌های توسعه محله‌ای مورد توجه قرار داده‌اند. با توجه به اهداف بازتولید بافت‌های مسکونی قابل در کلان‌شهرها، شناسایی و احیای شبکه زندگی شهری محله‌ای به عنوان جایگزین مناسب برای اشکال گسترده حیات شهری در دستور بررسی‌های شهری قرار دارد. موضوع توسعه از نوع اجتماعی و یا محله‌ای ضرورت‌های مختلفی را در کشور ما و در سطح کلان شهرهای آن مد نظر دارد. از جمله تلاش در جهت فراهم کردن شرایط بهتر زندگی جمعی در فضاهای کوچک و محدود جغرافیای شهری است. طراحی و برنامه‌ریزی در امتداد توسعه کالبدی شهری ایجاب می‌کند که لوازم و ابزارهای مطالعاتی و پشتیبانی به منظور ایجاد واحدهای شهری

New Neighborhood Urban Sociology Pattern from Neighborhood Development

Seyed Yaghoob Mousavi, Associated Professor of Social Sciences, Alzahra University, Tehran, Iran.
mousavi35@yahoo.com

Abstract: Since the city growth has increased widely, human relationship have broadened to a great extent and identity is added to every human neighborhoods to organize human relations based on urban settlements, defining urban neighborhood is quite essential in organizing new cities. Recently, the neighborhood and its social environment, especially in social relations, have provided an appropriate basis for better urban renewal planning. Therefore, the current subject of urban neighborhoods has become a serious matter in urban contexts theoretically and scientifically as well. In this paper the "community" is referred to as a small unit in a city. The term community had been eliminated from the field of information society from 1960 to recent decades. Since then, this term had only been used in sciences that are related to social politics. There has emerged a growing interest among urban researchers in regenerating this concept and this realizable reality. A neighborhood is a social unit within the city where people of the same characteristics have come together. Economic position such as the type of job, general social conditions such as the level of benefiting from welfare services and the cultural and racial differences are among different features that makes every neighborhood distinctive from the other. In addition, the neighborhood residents can develop common goals due to the fact that they have common beliefs and cultures and live in the same environment. Urban neighborhoods are different in social organization, functions and resident actions. The latest urban designs and planning control that have transformed the natural mechanism of life indirectly are among the factors that have changed the structure of urban neighborhoods. The above changes had extensive effects on the formation of new perceptions, feelings and behavior in residents.

According to urban planning and development process, city formation on the basis of new geographical planning or intervening spatial organization will lead to Physical restructuring of the modern cities in forms of separate and unrelated sectors in the city, while traditional neighborhoods have resulted from natural selection and the natural growth of inhabitants and households. Generally, urban neighborhoods are considered a fundamental matter in the past and present urban planning

system in many metropolises of the world including our country. Studying the advent and development process of urban neighborhoods, one can conclude that the neighborhood selection in many large cities of the world is in relation with the available social and economic functions in these cities. This paper is a social critic of spatial and social structure of the cities and also discusses the reasons and how to develop new conceptual and analytical new neighborhoods.

Keywords: Urban neighborhood, Neighborhood development, Urban development, Neighborhood planning, Neighborhood identity.

Reference list

- Banerjee, T. & Baer, W.C., (1984). *Beyond the Neighbourhood Unit: residential environment and public policy*, New York: Plenum Press.
- Barakpour, N. (2006). *Mabani Nazari va roykard-e siasi dar barnameh rizi va modiriati-e mahale'e* [Theoretical and political approach in planning and neighborhood management]. Hamayesh-e tose'e mahale'e cheshm andaz-e tose'e paydar-e shahr-e Tehran, Social and Cultural Department of Tehran Municipality.
- Blockland, T. (2003). *Urban Bounds*. Translated by Lee K, Mitzman, Policy Press Cambridge.
- Blummer, M. (1985). The Rejuvenation of Community Studies? Neighbour, Networks and Policy Context. *Harcourt Brace Jovanovich*, New York.
- Castells, M. (1977). *The Urban Question: a Marxist approach*, Edward Arnold, London.
- Cook, p. (1980). *Localities: the changing face of urban Britain*, London: Unwin Hyman.
- Dickens, P. (1998). Jame'e shenasi-ye shahri; Jame'e, ejtemae mahali va tabiat-e ensani [Urban sociology; society, community and human nature]. Translated by: Dr. Hossein Behravan. Mashhad: Astan qods razavi publications.
- Flanagan, W. C. (1993). *Contemporary Urban Sociology*, University Press, Cambridge, England.
- Giddense, A., 1984 *The Constitution of Society*, Policy, Oxford
- Healy, P. (1997). *Collaborative Planning: shaping places in fragmented societies*. Macmillan, England.
- Johnston, R. J. (1979). *Urban Residential Patterns: an introductory review*. Bell, London.
- Madanipour, A. (2000). *Tarahi-ye faza-ye shahri* [Urban space design]. translated by: Farhad Mortezaee. Tehran: sherkat-e pardazesh va barnameh rizi-ye shahri publication.
- Mumford, L. (1954). The Neighborhood and the Neighborhood Unit. *Town Planning Review*. 24(2):256-270.
- Mousavi, S. Y. (1998). *Urban Neighborhoods of Tehran: The Social Relations of Residents and Their Living Place*, Unpublished Thesis, Newcastle University, Mumford, L., 1954 The Neighborhood and the Neigh-

- Mousavi, S. Y. (2008). Baz sazi-ye mahale ha-ye shahri dar charchoub-e barnameh rizi-e tose'e ejtemae mahale'e [Urban neighborhood renewal within the social development of neighborhood planning framework]. *Journal of Motaleat-e ejtemae*. 2(2): 99-123.
- Rabbani, Rasoul. (2002). *Jame'e shenasi-ye shahri* [Urban Sociology]. Isfahan: The university of Isfahan publication.
- Shokouhi, H. (1986). *Joghrafiya-ye ejtemae-ye shahrha "ekolozhi-ye ejtemae-ye shahr* [Social geography of the cities "urban social ecology"]. Jahad-e daneshgahi-e Tabriz.
- Tavallayi, N. (1993). *Faza-ye shahri va ravabet-e farhangi ejtemae: Barrasi-ye aam-e tajrobiat-e jahani* [Urban space and socio-cultural relations: general review of global experiences]. Urban design master's dissertation, guide professor: Dr. Mahmoud tavasoli, University of Tehran, Faculty of Fine Arts.
- Wright, P. (1985). *on Living in an Old Country: The National Past in Contemporary Britain*. London: Verso



تصویر ۳

Pic 3